خبر

سیستم آموزش و پرورش در حوزه داستان نویسی ناکارآمد است

داستان نویس مشهور گرگانی گفت: سیستم آموزش و پرورش در حوزه داستان نویسی ناکارآمداست.به گزارش مهر،درحاشیه یازدهمین نمایشگاه کتاب گلستان، کارگاه بررسی ادبیات داستان گلستان با حضور داستان نویس مشهور گرگانی، ابراهیم محمد حسن بیگی برگزار شد. در این کارگاه حسن بیگی اظهارکرد: باید توجه داشته باشیم مشاهیر هر منطقه ای افتخار کشور محسوب می شوند و اگر چه، سال ها و قرن ها از دوران زندگی آنان بگذرد اما همچنان فراموش شدنی نیستند. وی افزود: وجود برخی از مشاهیر در ایران نشان دهنده تمدن غنی ملت ایران است و این برای ما افتخار بسیار بزرگی است. داستان نویس مشهور گرگانی با بیان اینکه ادبیات ایران در قرن سوم و چهارم هجری رقم خورد، گفت: ایجاد خلاء ادبیاتی در یک دوره زمانی باعث شد تا رشد ما در این زمینه متوقف شود و اکنون باید کاری کنیم که شرایط رشد فرهنگی دوباره ایجاد شود. وی تصریح کرد: امروز همان گونه که مسئولان کشور رشد علمی را مورد توجه خود قرار داده اند می طلبد تا در زمینه رشد ادبی هم گام های محکم تری بردارند. بیگی اظهار کرد: نظام آموزشی کشور ما که آموزش و پرورش نام گرفته است ممکن است از دل آن فیلسوف، مهندس، معمار بیرون آید اما این ادعا وجود ندارد که از این سازمان نویسنده و یا داستان نویس به جامعه تحویل داده شده است. وی سیستم آموزش و پرورش را در حوزه داستان نویسی ناکارآمد دانست و افزود: در آموزش و پرورش ممکن است رشته ریاضی مورد توجه قرار گیرد و دانش آموز را پرورش دهند اما در حوزه داستان نویسی و ادبیات این امکان وجود ندارد. داستان نویس مشهور گرگانی اظهار کرد: گلستان جزو نادر استان هایی است که نویسنده پرور بوده اما مردم آن شناخت درستی نسبت به هنرمندان خود ندارند و این به خاطر برخی از کم کاری های متولیان مربوطه است. وی تصریح کرد: گلستان حتی قبل از پیروزی انقلاب از وجود هنرمندانی همچون سید حسین میرکاظمی برخوردار بود و این هنرمند همچنان به فعالیت خود ادامه داده است. بیگی گفت: برای اینکه بتوانیم این هنر را زنده نگه داریم باید کارهای فرهنگی را مورد توجه قرار دهیم و به آن استمرار بخشیم.

گلستان آماده همکاری با قزاقستان است

استاندار گلستان بابیان اینکه این استان آماده همکاری با کشور قزاقستان است از لزوم برپایی نمایشگاه‌های بین‌المللی اقتصادی برای معرفی ظرفیت‌های دو طرف سخن گفت. به گزارش مهر، سید مناف هاشمی در همایش مشترک همکاری‌های اقتصادی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان‌های گلستان ایران و قزل اوردا قزاقستان، اظهار کرد: گلستان یکی از استان‌های پرظرفیت ایران است که با کشورهای همسایه می‌تواند ارتباط خوبی برقرار کند. وی افزود: گلستان به‌تنهایی تمام اقلیم‌های ایران را در اختیار دارد و تمام اقوام ایران به شکل مسالمت‌آمیز در گلستان زندگی می‌کنند و به‌نوعی نماد طبیعت و اقوام ایران است. هاشمی تصریح کرد: گلستان دارای هزار واحد در ۲۳ شهرک صنعتی بوده که در تولیدات کشاورزی و دامداری تولیدات قابل‌توجهی دارند. وی ادامه داد: ۶۱۰ هزار هکتار اراضی زراعی در گلستان وجود دارد و منابع آبی قابل‌توجهی در حوزه کشاورزی در اختیار دارد و جایگاه این استان در تولیدات محصولات کشاورزی، دامی و آبزیان، رتبه‌های بالای کشور است. استاندار گلستان با اشاره به حوزه گردشگری استان گفت: گلستان در حوزه گردشگری استان پررونقی بوده که پارک‌های جنگلی، آبشارهای طبیعی، جزیره منحصربه‌فرد آشوراده و اماکن زیارتی زیادی در این استان نهفته است. هاشمی بیان کرد: با ایجاد راه‌آهن ایران - ترکمنستان - قزاقستان موجب روابط و تعاملات بیشتر به این کشورها در حوزه‌های تجاری شود. وی با اشاره به مشکلات موجود در مسیر بازرگانی گلستان و قزاقستان یادآور شد: طولانی بودن روند صدور روادید برای تجار و بازرگانان، قطعی نبودن مدت‌زمان روادید صادرشده برای رانندگان ترانزیت، کمبود شناخت بین دو کشور، نبود مراکز عمده‌فروشی و توزیع مستقیم برخی محصولات ازجمله مشکلات موجود در مسیر بازرگانی استان‌های گلستان و قزل اوردا است. هاشمی اضافه کرد: پیشنهاد من این است که قزاقستان از ظرفیت ریلی و خدمات فنی و مهندسی استان گلستان بیشتر استفاده کند و ما هم از تجربیات این کشور در حوزه کشاورزی استفاده کنیم. وی تصریح کرد: برپایی نمایشگاه‌های بین‌المللی اقتصادی برای معرفی ظرفیت‌های استان گلستان می‌تواند کمک زیادی کند.

خبر

تفاهم نامه کشاورزی میان گلستان و قزاقستان عملیاتی می‌شود

رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان گفت: تفاهم نامه کشاورزی میان گلستان و استان قزل اوردا قزاقستان عملیاتی خواهد شد. به گزارش مهر، مختار مهاجر در همایش مشترک همکاری‌های اقتصادی و فرصت‌های سرمایه گذاری استان‌های گلستان ایران و قزل اوردا قزاقستان، اظهار کرد: گلستان مقام دوم تولید غلات در کشور را در اختیار دارد و کارخانجاتی با ظرفیت بیش از یک میلیون تن برای صادرات آرد به کشورهای دیگر ایجاد شده است.وی افزود: گلستان و قزل اوردا می توانند در ترانزیت گندم و آرد همکاری زیادی با هم داشته باشند، همچنین توسعه کشت برنج در قزاقستان هم از برنامه‌های ما بوده زیرا گلستان نیاز به سه میلیون تن برنج دارد که نیمی از آن را وارد می کند. مهاجر با بیان اینکه یکی از سیاست‌های وزارت کشاورزی خودکفایی در تولید دانه‌های روغنی است، خاطرنشان کرد: از کشت، تولید و توسعه دانه‌های روغنی می توانیم در قزاقستان استفاده کنیم و با توجه به منابع آبی قزاقستان، توسعه کشت ذرت دانه‌ای و شیرین می تواند از اهداف ما در قزاقستان باشد.

«»

کشته شدن کودک ۲ ساله فاضل آبادی در حادثه تیراندازی

رئیس پلیس آگاهی گلستان از کشته شدن کودک دو ساله در شهرفاضل آباد براثر تیراندازی خبر داد.مجتبی مروتی در گفتگو با مهر اظهار کرد: در سال ۹۴ مردی توسط برادرزاده خود کشته می‌شود و قاتل تاکنون در زندان به سر می‌برد. وی افزود: طی این دوسال خانواده‌ها تلاش می‌کردند تا رضایت خانواده مقتول را بگیرند اما رضایتی به دست نمی‌آوردند و کار به تهدید یکدیگر می‌کشد. مروتی ادامه داد: عصر پنجشنبه پسر مقتول به همراه همسر و فرزندش در خودرو پراید در شهر فاضل آباد در حال تردد بوده که فردی موتور سوار جلوی خودرو را می‌گیرد و با اسلحه شکاری چند تیر به سمت این خانواده شلیک می‌کند. وی افزود: ساچمه اسلحه شکاری موجب زخمی شدن مادر می‌شود که در حال حاضر حال عمومی وی خوب است اما متاسفانه گلوله در برخورد با سینه کودک منجر به فوت وی می‌شود.

مدارس پویا و بانشاط در گرو مشارکت اولیا در امر تعلیم و تربیت است

مدیر آموزش و پروش شهرستان گنبدکاووس حضور موثر خانواده ها و اولیای دانش آموزان در کنار مدیران مدارس و معلمان را از ضرورت های موفقیت در امر تعلیم و تربیت توصیف کرد و گفت: خانه، مدرسه و دانش آموز از ارکان مدارس با نشاط و پویا هستند. به گزارش ایرنا، فرج الله رزاقی در آیین گرامیداشت هفته پیوند اولیا و مربیان و بهداشت روان (۲۴ لغایت ۳۰ مهر) افزود: واگذار کردن تمامی مسئولیت های آموزشی دانش آموزان به آموزش و پرورش کار درستی نیست و خانواده ها نیز باید در امر تعلیم و تربیت فرزندان خود مشارکت جدی داشته باشند. وی با تاکید بر لزوم ارتباط مستمر اولیای دانش آموزان با مدارس و پیگیری نیازهای آموزشی و مشکلات احتمالی فرزندانشان، خاطرنشان کرد: اگر دغدغه رشد مسائل مذهبی فرزندان، اصلاح رفتار و اجتماعی شدن آنان و توانمندی در دروس دانش آموزان را داشته باشیم لازم است که در کنار مدیر مدرسه و معلمان قرار گرفته و در امر تعلیم و تربیت فرزندان خود مشارکت داشته باشیم.مدیر آموزش و پرورش گنبدکاووس حضور اولیای دانش آموزان در مدارس را همانند بارانی توصیف کرد که موجب باروری فضای تعلیم و تربیت شده و به رشد و بالندگی آینده سازان مملکت کمک می کند. رزاقی به خطرات استفاده نادرست از فضای مجازی نیز اشاره کرد و از والدین خواست ضمن آموزش استفاده درست از فضای مجازی به نوجوانان و جوانان، آنان را از خطرات استفاده نامناسب از این فضا که در حال حاضر در دسترس همگان است، آشنا سازند. به گزارش ایرنا، در این نشست یک استاد دانشگاه و کارشناس تعلیم و تربیت نیز در سخنانی به تشریح اهمیت مشارکت مردم با آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت دانش آموزان پرداخت و گفت: اگر صادقانه مسائل و مشکلات با مردم در میان گذاشته شود، آنان به کمک آموزش و پرورش می آیند. دکتر علیرضا قربانی با تشریح سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، گفت: این سند با انجام هزاران ساعت مطالعه تدوین شده و رسیدن به اهداف متعالی ذکر شده در آن، در گرو اجرای درست آن است که با مشارکت معلمان و مدیران مدارس محقق می شود.

گاز جایگاه های CNG فاقد استاندارد گلستان تا پایان آبان قطع می شود

مدیرکل استاندارد گلستان گفت: جایگاه های سی ان جی گلستان تا پایان آبان ماه فرصت دارند تاییدیه استاندارد بگیرند در غیر این صورت گاز آن ها قطع می شود. به گزارش مهر، محمود فرمانی اظهار کرد: در استان گلستان علاوه بر استانداردسازی در حوزه تولید و صنعت، توجه به ارتقاء سطح ایمنی و سلامت مردم نیز مهم است. وی با اشاره به جایگاه اول استان در طرح شهید رجایی در کشور بیان کرد: در حوزه ایمنی جایگاه های CNG در آخرین جلسه کارگروه ایمنی مصوب شد تا پایان آبان ماه، تمام جایگاه ها باید تأییدیه دریافت کنند در غیر این صورت گازشان قطع خواهد شد. فرمانی تصریح کرد: در سال گذشته گاز ۶ جایگاه سی ان جی در استان قطع شد و جزو سه استان برتر در حوزه استانداردسازی جایگاه‌ها هستیم. مدیر کل استاندارد گلستان بیان کرد: سطح تعامل استاندارد با سایر دستگاه ها در استان بالاست و شهرداری، فرمانداری و اصناف با ما همکاری می کنند. وی خاطرنشان کرد: استاندارد یک مقوله فراسازمانی است و به این منظور از وزارت خانه جدا شد و زیر مجموعه ریاست جمهوری قرار گرفت. مدیر کل استاندارد گلستان گفت: استاندارد فقط در حوزه صنعت نیست، بلکه حوزه حلال را نیز شامل می شود، ۱۹ استاندارد حلال در کشور وجود دارد که یکی مختص به استان است. فرمانی با بیان این که ۴ کمیته فنی در دانشگاه های گلستان و علوم کشاورزی و منابع طبیعی کشاورزی گرگان وجود دارد، ادامه داد: یک سری طرح‌های ویژه اقدام شد برخی به نتیجه رسید و برخی از آن ها در دست اجرا است. وی متذکر شد: فاز اول ساختمان استاندارد با اعتبار ۸ و نیم میلیارد تومان به بهره برداری رسید و امیدواریم بتوانیم با جذب اعتبارات مناسب مجموعه آزمایشگاهی استاندارد را به بهره‌برداری برسانیم. فرمانی افزود: برای اولین بار به حوزه آب شرب استان ورود پیدا کردیم و آزمایش میکروبی از آن گرفتیم که نتایج آن خوب بود.

آگهی ابلاغ اوراق مالیاتی هیئت حل اختلاف

در اجراء ماده ۲۰۸ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه سال ۱۳۶۶ بدینوسیله برگ / برگ های دعوت به هیات حل اختلاف مالیاتی با مشخصات زیربه مودی / مودیان ذیربط ابلاغ می گردد تا در زمان تعیین شده با در دست داشتن اسناد و مدارک لازم در جلسه حل اختلاف مالیاتی در نشانی مندرج در حدول حضور به هم رسانند. عدم حضور مانع از رسیدگی هیات و صدور رای نخواهد بود.

ردیف	نام و نام خانوادگی مودی	شماره شناسنامه ثبت	شماره و تاریخ برگ دعوت	مرحله رسیدگی	منبع مالیاتی	سال عملکرد	درآمد و یا ماخذ مشمول مالیات	وقت رسیدگی		نشانی اداره امور مالیاتی
								تاریخ	ساعت	
۱	چنگیز خدرزاده گوکلانی	۱۴۵۵۵	۹۹۷۲۹–۹۶/۰۷/۱۹	بدوی	مشاغل	۱۳۹۰	۱۷۵۳۵۷۸۹۶	۹۶/۰۸/۳۰	۱۴:۰۰	گنبد کاووس خیابان شهید بهشتی
۲	غنی ارونقی علمداری	❋	۹۹۷۲۴–۹۶/۰۷/۱۹	بدوی	مشاغل	۱۳۹۰	۲۴۵۶۱۵۵۲۶	۹۶/۰۸/۳۰	۱۴:۰۰	گنبد کاووس خیابان شهید بهشتی
۳	رویای شیرین	❋	۹۹۶۰۵–۹۶/۰۷/۱۹	بدوی	مشاغل	۱۳۹۰	۱۲۱۰۹۳۹۹۰۱۰۰	۹۶/۰۸/۳۰	۱۴:۰۰	گنبد کاووس خیابان شهید بهشتی
۴	عثمان زاهد	❋	۹۹۷۰۳–۹۶/۰۷/۱۹	بدوی	مشاغل	۱۳۹۰	۹۰،۸۳۱،۸۱۶	۹۶/۰۸/۳۰	۱۴:۰۰	گنبد کاووس خیابان شهید بهشتی
۵	صفرعلی بهلکه	❋	۹۹۷۰۵–۹۶/۰۷/۱۹	بدوی	مشاغل	۱۳۹۰	۱۳۴،۶۲۷،۲۳۲	۹۶/۰۸/۳۰	۱۴:۰۰	گنبد کاووس خیابان شهید بهشتی

رئیس امور حسابرسی مالیاتی کد ۹۷۸۶۵ گرگان – سید حسن سادات

آگهی ابلاغ اوراق مالیاتی برگ تشخیص مالیات

در اجراء ماده ۲۰۸ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه سال ۱۳۶۶ بدینوسیله حل اختلاف مالیاتی با مشخصات زیربه برگ / برگهای تشخیص با مشخصات زیربه مودی / مودیان ذیربط ابلاغ می گردد تا ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ درج این آگهی به اداره امور مالیاتی مربوطه مراجعه و نسبت به حل و فصل پرونده و تسویه حساب مالیاتی اقدام نمائید در غیر اینصورت طبق موازین قانونی اقدام خواهد شد.

ردیف	شماره پرونده	نام و نام خانوادگی مودی	شماره شناسنامه ثبت	شماره و تاریخ برگ تشخیص	منبع مالیاتی	دوره /سال عملکرد	درآمد و یا ماخذ مشمول مالیات	اصل مالیات به ریال	شماره واحد مالیاتی	نشانی اداره امور مالیاتی
۱	۱۵	نوری		۲۹۸۹۸–۹۶/۰۴/۳۱	مشاغل	۱۳۹۰	۶۳۸۱۳۹۶۰	۱۱۲۵۰۰۳۰	۶۴۶۱۲۴	گنبد خیابان شهید بهشتی
۲	۲۹۵	مهناز اکبری	۱۷۷۵	۴۳۷۳۱–۹۶/۰۳/۲۹	مشاغل	۱۳۹۴	۱۵۰۶۴۷۹۴۱۳۲	۳۶۹۱۱۹۸۵۳۰	۶۴۶۲۲۵	گنبد خیابان شهید بهشتی
۳	۳۰۱۱	عبدالقیوم نیازی		۶۱۶۳۱–۹۶/۰۴/۳۱	مشاغل	۱۳۹۰	۱۹۵۰۰۰۰	۲۹۲۲۱۰	۶۴۶۲۳۳	گنبد خیابان شهید بهشتی
۴	۳۰۰۱	کیوان زیتونلی		۲۹۹۷۷–۹۶/۰۳/۱۰	مشاغل	۱۳۹۰	۲۳۶۴۳۷۱۸	۳۵۴۳۰۱۰	۶۴۶۲۳۳	گنبد خیابان شهید بهشتی

رئیس امور حسابرسی مالیاتی کد ۹۷۸۶۵ گرگان – سید حسن سادات

آگهی ابلاغ اوراق مالیاتی برگ قطعی

در اجراء ماده ۲۰۸ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه سال ۱۳۶۶ بدینوسیله حل اختلاف مالیاتی با مشخصات زیربه برگ / برگهای قطعی با مشخصات زیربه مودی / مودیان ذیربط ابلاغ می گردد تا ظرف ده (۱۰) روز از تاریخ درج این آگهی به اداره امور مالیاتی مربوطه مراجعه و نسبت به پرداخت مالیات قطعی شده خود اقدام نمائید در غیر اینصورت به استناد ماده ۲۱۰ قانون مالیاتهای مستقیم اقدام به صدور برگ اجرائی خواهد شد.

ردیف	شماره پرونده	نام و نام خانوادگی مودی	شماره ملی شناسنامه ثبت	شماره و تاریخ مالیات قطعی	منبع مالیاتی	سال عملکرد	درآمد و یا ماخذ مشمول مالیات	مالیات متعلقه به ریال	شماره واحد مالیاتی	نشانی اداره امور مالیاتی
۱	۲۱۱۹	عبدالحمید عطایی		۹۶/۶/۲۷–۳۶۴۳۵	مشاغل	۱۳۹۰	۱۷۵۳۵۷۸۹۶	۲/۸۸۳/۴۵۲/۸۸۰	۶۴۰۲۲۲	گرگان خ پاسداران

رئیس امور حسابرسی مالیاتی کد ۹۷۸۶۵ گرگان – سید حسن سادات

آگهی ابلاغ اوراق مالیاتی هیئت حل اختلاف

در اجراء ماده ۲۰۸ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه سال ۱۳۶۶ بدینوسیله حل اختلاف مالیاتی با مشخصات زیربه رای هیات/ آراء هیات حل اختلاف مالیاتی با مشخصات زیربه مودی / مودیان ذیربط ابلاغ می گردد تا ظرف مهلت مقرر در قانون مالیاتهای مستقیم به اداره امور مالیاتی مربوطه مراجعه و اقدامات قانونی بعدی را در جهت تسویه حساب مالیاتی بعمل آورند. بدیهی است در صورت عدم مراجعه طبق موازین قانونی اقدام خواهد شد.

ردیف	شماره پرونده	نام و نام خانوادگی مودی	شماره شناسنامه ثبت	شماره و تاریخ مالیات قطعی	مرجع صدوررای	منبع مالیاتی	سال عملکرد	درآمد و یا ماخذ مشمول مالیات	شماره واحد مالیاتی	نشانی اداره امور مالیاتی
۱	۱۸۴۴	مالک رضایی		۳۲۹۹۴–۱۳۹۶/۰۷/۱۲	هیات بدوی	مشاغل	۱۳۸۹	۷۷,۵۰۰,۰۰۰	۶۴۰۱۲۱	گرگان خیابان پاسداران
۲	۱۹۰۱	محمد صادقی		۹۲۷۷–۱۳۹۶/۰۴/۲۸	هیات بدوی	مشاغل	۱۳۸۹	۵۵,۲۵۴,۳۸۳	۶۴۰۱۲۱	گرگان - خیابان پاسداران
۳	۲۲۸۶	علیرضا ایران پور	۷۰۶۶	۷۴۱۳–۱۳۹۶/۰۴/۱۹	هیات بدوی	مشاغل	۱۳۹۳	۲۱۰۰۰۰۰۰	۶۴۶۲۳۳	گنبد کاووس خیابان شهید بهشتی تقاطع فردوسی

رئیس امور حسابرسی مالیاتی کد ۹۷۸۶۵ گرگان – سید حسن سادات

آگهی ابلاغ اوراق مالیاتی برگ تشخیص مالیات

در اجراء ماده ۲۰۸ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه سال ۱۳۶۶ بدینوسیله حل اختلاف مالیاتی با مشخصات زیربه برگ / برگهای تشخیص با مشخصات زیربه مودی / مودیان ذیربط ابلاغ می گردد تا ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ درج این آگهی به اداره امور مالیاتی مربوطه مراجعه و نسبت به حل و فصل پرونده و تسویه حساب مالیاتی اقدام نمائید در غیر اینصورت طبق موازین قانونی اقدام خواهد شد.

ردیف	شماره پرونده	نام و نام خانوادگی مودی	شماره شناسنامه ثبت	شماره و تاریخ برگ تشخیص	منبع مالیاتی	دوره /سال عملکرد	درآمد و یا ماخذ مشمول مالیات	اصل مالیات به ریال	شماره واحد مالیاتی	نشانی اداره امور مالیاتی
۱	۵۰۲۰	غلامحسین باقرپور	–	۲۵۰۶۷–۹۶/۰۴/۳۰	مشاغل	۹۰	۱۳۶,۹۵۳,۰۳۸	۲۷,۷۰۴,۰۲۰	۶۴۰۱۲۱	گرگان خیابان پاسداران
۲	۴۶۷۱	احسان پهلوانی نژاد	–	۲۵۷۹۵–۹۶/۰۴/۳۱	مشاغل	۹۰	۵۴,۱۹۹,۰۷۹	۹,۳۲۸,۱۷۹	۶۴۰۱۲۱	گرگان خیابان پاسداران
۳	۴۶۸۱	علی صادقی	–	۲۶۰۲۳–۹۶/۰۴/۳۱	مشاغل	۹۰	۵۰,۱۹۱,۵۲۰	۸,۵۲۸,۲۶۰	۶۴۰۱۲۱	گرگان خیابان پاسداران
۴	۴۶۷۲	مازیار ثابت	–	۲۵۸۳۵–۹۶/۰۴/۳۱	مشاغل	۹۰	۱۸۴,۶۹۲,۹۶۰	۳۹,۶۲۷,۰۷۰	۶۴۰۱۲۱	گرگان خیابان پاسداران
۵	۴۶۷۰	بهمن دزیانی	–	۲۵۸۲۹–۹۶/۰۴/۳۱	مشاغل	۹۰	۸۰,۹۵۷,۵۰۸	۱۴,۶۷۵,۳۱۰	۶۴۰۱۲۱	گرگان خیابان پاسداران
۶	۵۰۰۵	مصطفی هاشمی	–	۲۶۱۴۰–۹۶/۰۴/۳۱	مشاغل	۹۰	۲۵۳,۹۱۰,۶۸۰	۵۷,۳۵۰,۹۴۱	۶۴۰۱۲۱	گرگان خیابان پاسداران
۷	۴۴۳۱	نادر نوری امامی	–	۲۵۹۰۵–۹۶/۰۴/۳۱	مشاغل	۹۰	۵۹,۸۰۳,۸۷۲	۱۰,۴۴,۸۱۰	۶۴۰۱۲۱	گرگان خیابان پاسداران
۸	۴۶۷۴	مرتضی جعفری	–	۲۵۹۰۹–۹۶/۰۴/۳۱	مشاغل	۹۰	۱۵۰,۹۴۰,۰۵۰	۳۱,۱۹۷,۲۸۰	۶۴۰۱۲۱	گرگان خیابان پاسداران
۹	۴۶۴۵	سهیل کرمیان	–	۲۵۸۰۸–۹۶/۰۴/۳۱	مشاغل	۹۰	۹۶,۴۲۲,۷۸۹	۱۷,۷۶۹,۲۷۰	۶۴۰۱۲۱	گرگان خیابان پاسداران

رئیس امور حسابرسی مالیاتی کد ۹۷۸۶۵ گرگان – سید حسن سادات

نقدی بر نمایش برج‌های خاموش

به نویسندگی و کارگردانی زهرا شایان‌فر

شوکا حسینی

بازگشت به گذشته، ایده‌ی نسج نیافته در بین گروه کثیری از انسان‌هاست که گمانشان بر این است که انسان در گذشته سعادتمند بوده و گذشته زمانی بوده که در آن غرق در سجایای اخلاقی و انسان‌مدارانه بوده‌اند. زمان و مکانی که دقیقا مشخص نیست اما آلام و شکست‌های انسان در آن اندک بوده و گویی خدایان شادخوار، انسان‌ها را در زیر ردای عطوفت خود جای می‌دادند و با روشن کردن چراغ راه، آنها را در کمال صحت و شادابی جسمی و روحی در ساحت زمین همراهی کرده و از حوادث مهیب ناخشنودان دور نگاه می‌داشتند. اما چه کسی نمی‌داند که انسان از اسطوره‌ی آفرینش تا به امروز همیشه در رنج و محنت از خویش و همنوعان خویش بوده است و گذشته‌ی بی‌رنج و ملال، افسانه‌ای بیش نبوده؛ از آن نوع افسانه که گویی برای التیام خود، ساخته تا از آن الگویی برای ساختن آینده‌ی کمال‌گرا بر اساس همین الگوی مذکور بسازد. اما به راستی با فرض وجود زیستی خرسندانه در گذشته، باز هم می‌توان گذشته را الگویی برای آینده‌ی زیست انسان قرار داد؟ نمایش «برج‌های خاموش» ظاهرا در مکانی لامکان و زمانی لازمان به سر می‌برد اما مضامین، طراحی دکور، سبک گفتار، فضای موسیقی، طراحی لباس، زمانی در گذشته را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند زمانی که مشخص نیست در کدام دوره‌ی تاریخی به وقوع پیوسته اما مطمئنا مقطعی از گذشته است؛ در زمان حال اتفاق نیفتاده و در آینده نیز نخواهد افتاد. فضای نمایش که اندرونی برجی را به تصویر می‌کشد که به طور وحشت‌افزایی تمام شخصیت‌های آن به جز خدمتکار و زنی پیشگو، همگی نقصانی در یکی از اعضای خود دارند و حتی اشخاص غایب نیز طبق گفته‌ی افراد حاضر، این نقصان را دارند. روایت جنگی خانمان سوز و مرگ مشکوک فرمانده، اندام‌ها و اعضای از دست داده‌ی کاراکترها در حین جنگ، انتخاب موسیقی و نور، فضای گروتسک و با طنزی سیاه را به نمایش حاکم کرده است و از دیگر سو حرکت‌های نمایشی سه زن که آنها نیز به نمایندگی رعیت هر بار در یک اتمسفر پر تنش به میانه نمایش می‌آیند، مخاطب را بیشتر در این فضا می‌برد. جنگ چهره‌ی سیاه خود را به همه‌ی ساکنین این برج‌ها نشان داده و طبق معمول علت آن نیز آز و طمع و از دیگر سو علتی بیهوده است. در کشاکش این جنگ، افراد با کنش و واکنش‌های خود، وجوهی از روان خود را به معرض نمایش می‌گذارند. شخصیت‌پردازی کاراکترها با بازی‌های خوبشان به خوبی کنه و روان آنها را بازنمایی می‌کند. عقده‌ی حقارت هر یک از این شخصیت‌ها که به واسطه‌ی نقص عضو و ناتوانی در آنها پدیدار شده، سبب واکنش‌های کلامی و رفتاری متفاوتی در هریک از آنها می‌شود. از سویی دیگر، سوءظن که محصول عقده‌ی حقارت است به بحران رابطه‌ی میان‌فردی بین افراد می‌افزاید. از سویی مسئله‌ی جانشینی و تمرکز قدرت موجب اعمال خشونت می‌شود. فرمانده مرده و باید کسی جانشین او شود نه تنها برای سر و سامان دادن امور بلکه برای حکومت کردن و فروکش کردن عطش قدرت در درون هر یک از این دو برادر حاضر در برج مذکور. یکی از برادران پایش را در جنگ از دست داده است و دیگری چشم‌هایش را. پنج برادر دیگر هم که یا گریخته‌اند یا خود را به دشمن تسلیم کرده‌اند، یا مرده‌اند و یا خودکشی کرده‌اند. پس همین دو تن تنها کسانی هستند که باید بر سر جانشینی به توافق برسند. اما توافق برای حذف از قدرت مرکزی توافق ساده‌ای نیست و این گزاره به راحتی در ذهن کسی نقش نمی‌بندد گویی که هرگز این گزاره نمی‌تواند وجود داشته باشد پس علاوه بر جنگ با دشمنی بیگانه، خویش‌ها نیز باید با یکدیگر بجنگند و ریخته شدن خون صدها سرباز نیز آنها را تسکین نمی‌دهد و آتش این طمع را نمی‌تواند خاموش کند. از سویی برج و فرماندهی آن که توسط دختر یازده ساله‌ای اداره می‌شده که به شکل مرموزی کشته شده، نماد زمین و تعقل است که گویی شکست می‌خورد و حال نوبت آسمان و جادو و پیشگویی‌ست که باید وارد عمل شود. زن پیشگو بر سر جنازه‌ی دختر حاضر می‌شود و به همگان نهیب می‌زند که دیگر باید فرمانروایی را به آسمان واگذار کرد و من مسئول پیوستن ارواح شما به زمینم و آسمان بر اساس فال و ستاره امور را هدایت می‌کند و ارواح این انسان‌های ضعیف را به سوی خویش فرا می‌خواند. گویی اینکه تعقل و تعبیه‌ی نقشه و مبارزه با دشمن پاسخگو نبوده و سرنوشت و قضا و قدر است که باید این بار را به دوش کشد. از سویی نمایش دو شخصیت اصلی زن دارد که نماینده‌ی شخصیت اثیری و لکاته‌ی معروف از زن هستند. فرمانده که زنی نجیب و خوب است و دیگری که پیشگوست و خبیث و فریبکار که حتی منافع شخصی، با دشمن سرزمین خویش نیز همکاری می‌کند و در عین حال نماینده‌ی آسمان نیز است. نماینده‌ی گفتمانی غالب و همه‌چیز بین. هم او که با دسیسه می‌تواند قوانین زمین را بی‌نتیجه و کارآمد جلوه دهد. نمایشنامه‌ی «برج‌های خاموش» از انسجام محتوایی بسیار خوبی برخوردار است که خود نوید نویسنده‌ی در خور توجه را می‌دهد. در دوره‌ای که بیشترین تاترهای روی صحنه، اقتباسی ضعیف و گاها متوسط و به ندرت خوب از متنی در درجات کیفی مختلف، تمام تماشاخانه‌ها را قرق کرده، حضور نمایشی با متنی تازه نفس بسیار حائز اهمیت است. گروه بازیگران نیز از توانایی بدنی و بیانی بسیار خوبی برخوردارند و کارگردان به خوبی از توانایی‌های گروه خود بهره جسته و همچنین استفاده از نور و موسیقی به کمک کلیت کار آمده و تنها جنبه‌ی ابزاری نداشته. این نمایش همانطور که اشاره شد از لحاظ بررسی تیپ شخصیتی که دچار عقده‌ی حقارت است، بسیار جالب توجه است. بازیگران به خوبی این تیپ شخصیتی را به نمایش گذاشته و مخاطب را در درک خود همراهی کرده. تیپ شخصیتی که دچار عقده‌ی حقارت است اساسا سبک زندگی‌ای را انتخاب می‌کند که در جهت ارضا و یا کاهش تنش این حقارت باشد. در نمایش مذکور نیز افراد در موقعیت‌های گوناگون، با کنش و واکنش‌های رفتاری و گفتاری، در جهت عقده درونی شده‌ی خود گام بر می‌دارد. نمایش از منظر جامعه‌شناسی نیز الگوی جالبی را بازخوانی می‌کند: جامعه‌ای که هر یک از اعضای آن دارای نقصانی در خود شده، چگونه می‌تواند بدون احساس حقارت عضوی، سبک زندگی‌ای را انتخاب کند که علاقه‌ی اجتماعی را پوشش دهد تا در نهایت بتواند به ایده‌ی جامعه‌ی سالم برسد؟ آیا اساسا چنین خواستی از این جامعه امکان‌پذیر است؟

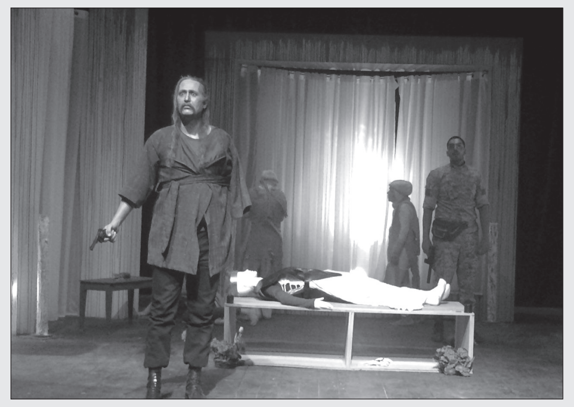

گسست و فضاهای خالی در شعرهای امیر قاضی پور

زیبایی نقص

پدرام محمدزاده-ما در اشعار قاضی پور با پرش های زمانی – مکانی رو به روییم . نه مثل رویایی که صرف پرش مکانی می کند (و این مکان ها در یک دایره و محوطه محدودند و هیچ گونه وسعتی وجود ندارد زیرا که کلمات و نوع روایتی که در شعر پیش می گیرد وسعتی ندارد و محدود است) . و نه مثل باباچاهی که انفصال یک سطر از سطر قبل از خودش را با مکث کردن خودآگاهانه بیش از حد و صرف زمان ممکن می کند . طوری که اجازه می دهد روایتی که در بیرون شعر در جریان است پیشی بگیرد از سطری که حک شده و قابلیت حرکت ندارد . پرش های زمانی و مکانی در شعر قاضی پور سبب نوعی گسست می شود فی مابین زمان ها و مکان های متفاوت و متعدد . اما همه این زمان ها و مکان ها در یک دنیا در حال رخ دادند و مساله مهم همین است . ما تنها با چینش های متفاوت این تجربیات از سر گذرانده مغز متفکر دنیای (در اشعار قاضی پور تعداد بی شماری راوی حضور دارد که اجازه رشد و رخ نمایی و عرض اندام در جلوی چشمان مخاطب به آن ها داده نمی شود) شعری امیر قاضی پور رو به روییم . در واقع وقتی بیننده یک خواب بیدار می شود تنها بخش هایی از آن و نه کل آن را در خاطرش دارد . مکانیزم نوشتن امیر قاضی پور مکانیزم خواب دیدن و بعد نوشتن در بیداری است و این مکانیزم به طور ذاتی از گسست فی مابین تصاویر و کلماتی که از سر گذارنده شده اند رخ می دهد . در واقع این گسست تنها در زمان بیداری است که شناسایی می شود و حضور می یابد نه در زمان خواب . فضاهای خالی که پر شده اند بیشتر ، حالا تنها غایبند و این غیاب آنهاست که حضور شدید خود را اعلام می دارد . اینگونه شعری امیر قاضی پور شعری ست که پایه اش از گسست تشکیل شده و این گسسته نویسی سبب شده ما نه با یک روایت درون شعری بلکه با یک فرا روایت طرف باشیم . فرا روایتی که کماکان در جهان شعری قاضی پور حضور دارد نه در بیرون از آن . اینگونه می شود بعد از خواندن چند اثر از شعر قاضی پور می توان شیوه نوشتنش را دسته بندی کرد و به زیبایی شناسی شخصی قاضی پور در چیدمان تصاویر و کلماتی که از سر گذارنده پی برد . ساختمان هر سطر و فضاهای خالی فی مابین این ساختمان ها این موقعیت را برای خواننده به وجود می آورد که در گوشه و کنار جهان شعری قاضی پور پرسه بزند و هر چه را که می تواند ببیند . اما باز باید این نکته را یاد آور شوم که اعضای جهان شعری قاضی پور به شدت خسیس اند در نشان دادن همه چیز و در واقع این با حضور اولین عنصر خارجی (مخاطب) نمایان می شود . ابتدائا خود امیر قاضی پور مخاطب این جهان است . مخاطبی که سازنده این جهان هم هست . این طور نقش پر رنگ ناخودآگاه در نوشتن اشعار آشکار می شود . این پوشش نه پوشیده گویی سنتی و تصنعی ست و نه از ایجاز نشات می گیرد . بلکه پوششی ست که در اثر گسست حضور دارد . نه برای اینکه معنا به تعویق بی افتد نه برای اینکه تلاش کند از متن بودن دور شود بلکه این جهانی که قاضی پور می نویسد بر قاضی پور هم پوشیده است . اینگونه ما با نوعی از کشف و شهود و هستی شناسی جهان شخصی رو به رو هستیم که اتفاقا به شدت در ادبیات ایران یکه است . در اشعار امیر قاضی پور ضربه ای (بیداری) سبب شده به طور مثال یک پازل به هم بریزد و اجزای پازل از هم دور بی افتند و پخش و پلا و گم شوند و قاضی پور به مثابه کسی ست که با باقی مانده اجزای پازل می خواهد تصویر را و شکل را از دوباره بسازد . به همین دلیل مخاطب بعد از خواندن شعرهای امیر قاضی پور ارضا نمی شوند . زیرا که خود اثر هم هنوز ارضا نشده . هنوز چرخه و سیکلش تکمیل نشده . هنوز کامل به اجرا در نیامده . هنوز کار بسیار دارد . این چیزی ست که من نامش را می گذارم زیبایی نقص ! مثالی برای روشن تر شدن مساله در زیر ، از یکی از اشعار قاضی پور می آورم :

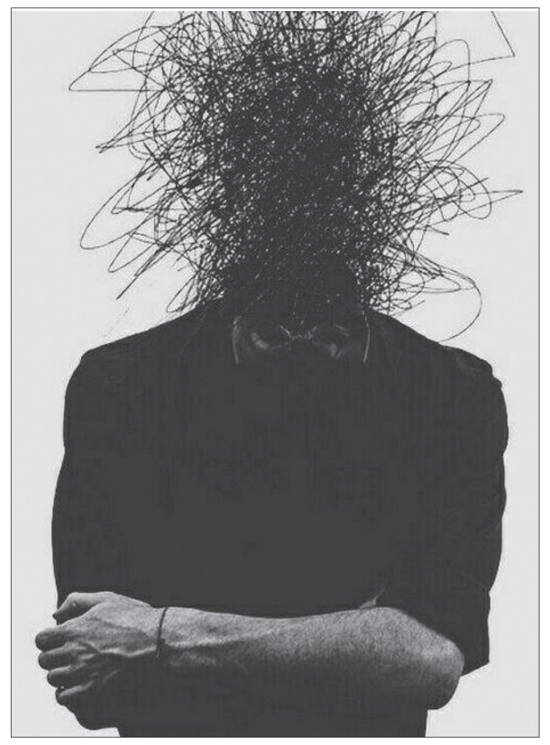

تکان می دهد و تو را در
خود عوض می کند
وزن های آب های آزاد
روشنی آب،مثال تفی
سفید
وق زده به عطرش
تیغ ها که بر بستر ماسه
های این بدن می نشیند
یک دلفین نفس می زند،
می بوسد
به نشانه استمنا،خودش
را درون خودشبا حس
لزج از آبی خلیج
مثل گوشت ولو شدهلخ در آب های آزاد
صابون،آبی می نوشد

این شیوه نوشتن قاضی پور است . اینگونه گسسته نویسی و در واقع ناقص نویسی سبب می شود نتوان با تئوری های نقد جا افتاده به سراغ اثر رفت . نتوان با تئوری هایی که در حال دسته بندی همه چیزند و صفت گذاری بر هر چیزی اثر را توضیح داد . برای شیوه نوشتن شعر امیر قاضی پور ما نیازمند شیوه نقدی جدید هستیم و به نظرم این کاری ست که شاعر امروز باید انجام دهد . یعنی هر شاعر باید به دنبال گونه ای شعر باشد که برای آن نقد مخصوصش را بتوان تولید کرد. در واقع شاید در نظر اول ما با سطرهایی رو به رو باشیم که در حال آشنایی زدایی اند اما هر چه بیشتر به کشف می پردازیم می بینیم هیچ کلمه و هیچ سطری در حال آشنایی زدایی از چیزی نیست بلکه پرش های زمان-مکانی سبب شده ما به جایگاه تک تک کلماتی که در سطر و در شعر حضور دارند مشکوک باشیم . علا رغم تلاش ما برای ایجاد ارتباط نشانگانی و تولید گونه ای از روایت در اثر ، ما کماکان نا موفق هستیم زیرا زمان و مکان در اثر ابدا قابل اعتماد نیستند و ما نمی دانیم کدام کلمه برای کدام زمان و مکان است . به طور مثل در این سطر ها : تیغ ها که بر بستر ماسه های این بدن می نشیند / یک دلفین نفس می زند، می بوسد / به نشانه استمنا،خودش را درون خودش ما نمی دانیم واژه تیغ که به واژه بستر واژه ماسه واژه دلفین واژه استمنا و خودش دقیقا از کجا گرفته شدند و اینجا نشانده شده اند . به همین دلیل این همنشینی کلمات کنار هم ابدا قابل اعتماد نیستند و به طور کل تنها می شود گفت سرابی از روایت برای هر کس شکل می گیرد . این هیچ ارتباطی به اشعار براهنی که همنشینی وزنی کلمات را خواستار بود ندارد . چون براهنی به شدت خود آگاهانه دست به خلق شعرهایی می زند که تنها ادای به هم ریختگی را در می آورند . براهنی در پشت تئوری اشعارش را پنهان می کند . تمام تلاشش را می کند اشعارش و منظور و محتوای اشعارش را توضیح دهد . و اینگونه می شود که دست خود را رو می کند . زیرا ناخودآگاه کمترین نقش را در نویسش براهنی ایفا کرده . فضای خالی مهمترین مولفه شعر قاضی پور و همینطور مولفه مشترک بین تمامی کارهایش است . فضاهای خالی شعر قاضی پور از فراموشی نشات می گیرند . این فراموشی سبب گنگی مخاطب در بر خورد با اثر می شود . فرم هایی که قبلا مورد استفاده قرار گرفته اند در شعرهای قاضی پور جایی ندارند . زیرا که قاضی پور شاعر خیال است و خیال هر فرد شخصی ست.

یادداشت

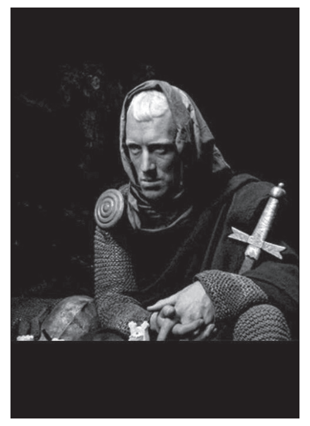

هرگاه به این تصویر «مکس فون سیدو» نگاه می‌کنم به این فکر می‌کنم که او هنگام «شدن» در «مهر هفتم» آیا به واقع سلحشوری از دل اعصار و هزاره‌ها نبوده است؟ باورش برایم سخت بوده و هست که او را در قامت دیگری جز این تصور کنم، حتا همین حالا که به لحظه‌ای صدها پلان از ده‌ها فیلم با حضور او در ذهنم عبور می‌کنند. آن نگاه مغموم، حالت دست‌ها، قامتی با صلابت جنگجویی صلیبی، چهره‌ای تکیده و سنگی که هم‌زمان حامل نوعی یأس از زیست‌جهان و عظمت احساسی سرکوب شده است، و شمشیر در آغوش که تمام دار و ندار نجیب‌زاده‌ای تنهاست و البته هنوز هم چیز/ هایی هست که از فرط حضور، ادبیات را به زانو درمی‌آورد و کلمه‌ها را پس می‌زند. او، مکس فون سیدو، به زمین نگاه می‌کند و به آسمان هم، و سرگشتگی بودن در این میانه را به ابدیت‌اش وصل می‌کند. او ترجمان کمال‌یافته‌ی بودن در این جهان است، حتا اگر تنها و تنها در همین یک قاب جناب «برگمان» حاضر بود.

انوش دلاوری

شعر

شعری از نسرین قنبری

شبی که سنگینی‌اش را رویم می‌اندازد
اتاقهای گیجی که صحنه را
حوصلهٔ حواس را
سر برده‌ایم
شبی که شخصیتش را خصوصی می‌کند
تملمش
در خلوت ماست

«»

شعری از آذردخت ضیایی

حتی
بدون لحظه ای تردید
پیش از تو
به دور زمینی برعکس
چرخیده ام
به دنیا
بیا
تمام نبودنت از روزها
زمانم را
گیج می کند

مینیمال

مصنوعی

روح‌اله باقری ـ همسایه‌ی واحد بالایی آمده بود چیزی می‌خواست. کلاهش را دائم روی بدن غول پیکرش این‌ور و آن‌ور می‌چرخاند و نگران چیزی بود. گفتم: «اتفاقی افتاده؟» چشم‌های وق زده‌اش را به من دوخت و لبخند زد. چیزی را که خواسته بود به او دادم. می‌خواست از پله‌ها بالا برود، گفتم: «چرا با آسانسور تشریف نمی‌برید؟» مردد به نظر می‌رسید. برگشت به سمت آسانسور برود که پایش پیچ خورد و از پله‌ها پایین غلتید. پایین پله‌ها، توی پارکینگ به او رسیدم. گفت که چند هفته است که بیکار شده و پولی برایش نمانده است. گفت که زنش مریض است و همان طور بی حرکت افتاده گوشه‌ی خانه و این که دیگر نمی‌داند چه کار کند. بهش دلداری دادم و کمک کردم که دست‌ها و پاهایش را سر جای‌شان چفت کند و پیچ و مهره‌های گردنش را برایش سفت کردم. بچه‌ها که در حیاط بودند به سمت پارکینگ می‌دویدند؛ باران مصنوعی گرفته بود.

داستان کوتاه

علی رایجی

سالها پیش داستانهای جالبی خواندم.
نویسنده تعدادی از داستان های قدیمی را دستکاری و فضای جدید و جالبی خلق کرده بود
چند وقت پیش که یادشان افتادم تصمیم گرفتم یکی از داستانهای معروف را دستکاری کنم و نظر شما هنرمندان لابیرنتی را در موردش بدانم

کدوی قلقله زن

پیرزنی بود که دخترش در روستای دیگری زندگی می کرد. روزی پیرزن تصمیم گرفت که به خانه دخترش سری بزند. پس بغچه اش را جمع کرد و راه افتاد. تا ده دخترش راه طولانی پرخطری بود که از میان کوهها و تپه ها می گذشت. تازه ده از دیدش خارج شده بود که در گردنه ای، گرگی او را دید و پرید جلویش. پیرزن از ترس زبانش بند آمد. گرگ گفت: «به به. غذا. خیلی وقته چیزی نخوردم.» پیرزن با ترس و لرز گفت: «آقا گرگه، میدونی چیه؟ الان که یهویی پریدی جلوم از ترس تمام گوشت تنم آب شد. این طوری سیر نمیشی گلم! بزار برم خونه دخترم، غذا بخورم، چاق بشم، چله بشم، بعد میام، تو منو بخور.» گرگ که خیلی گرسنه بود گفت: «نه. من خیلی گشنمه. به همون استخوناتم راضیم.» در همین لحظه پیرزن دست کرد داخل بغچه و کلتش را درآورد و پیش از آن که گرگ از جایش بجنبد، با دو گلوله او را کشت. پیرزن باز راه افتاد. میانه های راه از دشتی می گذشت که قلمرو یک شیر بود. پیرزن که این را نمی دانست داشت خیالبافی می کرد که دید شیری بزرگ و ترسناک، غران به سمت او می آید. در نگاه اول بدنش بی حس شد؛ اما وقتی که شیر نزدیک شد، بی اختیار، پیش از آن که شیر چیزی بگوید، کلتش را کشید و با چهار گلوله صورت شیر را متلاشی کرد و او را به هلاکت رساند. قلب پیرزن تند می زد. کمی طول کشید تا حالش سرجایش بیاید. از نعش شیر هم می ترسید. برای همین نزدیکش نشد. چند نفس عمیق کشید و دوباره، در حالی که مرتب نگاهی به عقب می کرد، راه افتاد. نزدیکی های ده دخترش بود که ۷ سگ وحشی دوره اش کردند. یادش آمد فقط یک گلوله دارد. قبل از این که سگها چیزی بگویند گفت: «به به. چه حلال زاده. من خودم می خواستم دنبالتون بیام، که خودتون زودتر اومدید.» سگهای گرسنه تعجب کردند و حمله را عقب انداختند. رییسشان پرسید: «چرا می خواستی ما رو ببینی.» پیرزن گفت: «داماد من گاو و گوسفند زیاد داره. سگهاش بی عرضه ن. برای همین به من سپرد که چند سگ با عرضه براش پیدا کنم. جا و غذای خوبی می ده. بیمه هم می کنه.» سگهای وحشی نگاهی به هم انداختند. کمی مردد بودند. رییسشان که سگ دنیادیده ای بود گفت: «وعده الکی نده. به حرف شما آدما اعتباری نیست.» پیرزن صبر را جایز ندانست. سریع کلت را کشید و با تنها گلوله باقیمانده سگ رییس را کشت و بعد به بقیه گفت: «یا برید پی کارتون یا همه تونو می کشم.» سگهای دیگر هم ترسیدند و پا به فرار گذاشتند. پیرزن بالاخره به خانه دخترش رسید و یک هفته ای را با فرزند و نوه هایش خوش گذراند. موقع برگشت دختر کدویی بزرگ برایش آماده کرد تا پیرزن با آن به سلامت به خانه برگردد. پیرزن که کدو را دید خندید و گفت که لازمش ندارد و بعد ماجرا را برای دخترش تعریف کرد.دختر که با دهانی باز گوش می داد، بعد از چند لحظه که به خودش آمد گفت: «مادرجان، اداره محیط زیست در به در دنبال قاتل اون زبون بسته هاست. وقتی سگا گفتن قاتل یه پیرزن بوده باور نکردن.» پیرزن که از شنیدن خبر جا خورده بود با چشمانی گشاد شده به دخترش خیره شد. می شد ترس را در چهره اش دید. در همان حال، ناگهان ضعف کرد، افتاد، از هوش رفت و به راحتی خوردن یک لیوان آب دار فانی را وداع گفت و گوشت و استخوانش نصیب مورچه های گور شد.نقش کدوی قلقله زن هم تغییر کرد. قبلا قرار بود پیرزن را به سلامت به خانه برساند. اما بعدن شد قسمتی از آشی که برای مراسم پیرزن پختند.